

جلسه هشتم

به نام او که هر آنچه دارم از اوست. شب بخیر دوستان

امیدوارم روز خوبی رو پشت سر گذاشته باشید و آماده باشید

در طی چند روز پیش متوجه شدم که سر سوزنی می تونه انسان رو از پا دربیاره
بنابراین استراتژیمو کمی تغییر دادم و تصمیم گرفتم از این جلسه شروع به گفتن
تریدینگ سیستمی کنم که سالها براش زمان، انرژی و سرمایه ی زندگیمو گذاشتم
.امیدوارم بهره ببرید و این هدیه رو از من قبول کنید همونطور که اساتیدم به من
هدیه کردند

بفرمایید آقای محمدعلی

[Amirhosein Mohamadali]

الگوها چند درصد کار میکنند؟

[خاطره نیکویی]

و گاهی تا 100 درصد 90

[Amirhosein Mohamadali]

و تایم فریم مطمئن رویت اینا کدام است؟

[خاطره نیکویی]

در تمام تایم فریم ها

انتخاب تایم فریم بستگی به تصمیم ترید شما داره

اگر روزانه ترید کنید 15 دقیقه و 1 ساعته هدف شما خواهد بود

[Rahim Nazari]

یه بیت از خیام هست که میگه: من در عجبم ز می فروشان کیشان، به زانچه
فروشدند چه خواهند خرید؟ من اینو اینطوری تغییر دادم: من در عجبم ز علم
فروشان کیشان، به زانچه فروشدند چه خواهند خرید؟ ممنون از شما که علمی که
بابتش سالها وقت و انرژی و سرمایه گذاشتین، بدون چشمداشت با ما شریک
میشین! زنده باشین

[خاطره نیکویی]

سپاسگزارم استاد عزیزم .وظیفه ی منه که در کنار دوستان عزیزی مثل شما
.اونچه از دستم بر میاد انجام بدم

[Amirhosein Mohamadali]

توهم در تکنیکال خیلی زیاده چطور از این دام توهم دور بمانیم؟

[خاطره نیکویی]

آقای محمدعلی تونستم جوابتونو بدم؟

[خاطره نیکویی]

اگر اجازه بدید انتهای کلاس صحبت کنیم

خب بریم در مورد چنگال اندرو و قوانینش صحبت کنیم

(Andrews Pitchfork) (آشنایی با چنگال های اندرویا اندرو پیچفورک)

چنگال های “اندرو” (اندری) ، تکنیکی برای استفاده از روند ها می باشد. “آلن
اندری” ابداع کننده این روش اعتقاد داشت خطوط روند کلاسیک کارایی بالایی
در بازارها ندارند و خطوط روندی که از نقاط و پیوت های بیشتری می گذرد
بسیار کاربردی تر می باشد. در عین حال بر مبنای این خط مرکزی باید تمامی

نوسانات قیمت را در بین دو بال، که کانالهایی را برای قیمت می سازند داشته باشیم.

برای ترسیم یک “چنگال اندرو” تحلیلگر به سه نقطه (پیوت) که آغازگر موج های جدید باشد، نیاز دارد و پس از ترسیم چنگال پیچفورک باید مشاهده نماید که آیا چنگالش سه اصل اساسی ترسیمی را رعایت کرده یا خیر



همانطور که در شکل بالا مشاهده می شود برای ترسیم یک چنگال پیچفورک به نقش های یکسانی در تغییر A و C سه نقطه (پیوت) آغاز موج نیاز داریم. نقاط برای جابجایی قیمت ایفا A و C نقشی خلاف نقاط B جهت قیمت داشته اند و نقطه روندهای صعودی جاری را تبدیل به روند A و C می کند. بدین معنی که اگر نقاط روند نزولی جاری را تبدیل به صعودی کرده است. در B نزولی کرده اند نقطه ترسیم چنگال صعودی این نقش ها معکوس می شود

ببینید دوستان! آنچه در ترسیم چنگال اندرو مهمه اینه که شما یک چرخش حرکت c و b یا تصحیح حرکتی رو داشته باشید تا بت نید چنگال اندرو بکشید و نقاط تعیین کننده ی ترسیم هستند



برای ترسیم یک چنگال به سه نقطه نیاز داریم که تا به اینجا با آنها آشنا شدیم. از این نقاط درک کردیم که تغییرات قیمت معمولاً به صورت سینوسی و با تصحیح همراه هستند. برای ترسیم خط میانه که بیشترین نوسانات را قیمت حول آن محور را شناسایی کرد (محدوده سبز رنگی که C و B داشته است می توان ما بین نقاط به این نقطه میانی A وجود دارد) و خطی را از نقطه C و B در تصویر بالا بین ترسیم کرد. این خط شیب و زاویه خاصی نسبت به تغییرات قیمت دارد که نوسانات بسیاری حول این محور است. به اندازه شیب خط میانی می توان به ترسیم کرد. معمولاً قیمت مانند شکل، حول C و B موازاتش خطوطی را از نقاط این محور و خط میانی بارها نوسان دارد. در عین حال نسبت به قیمت چنگال های بالا و پایین که موازی با خط میانی ترسیم شده عکس العمل نشان می دهد.

اصول اساسی ترسیم یک چنگال “اندرو” مناسب

برای ترسیم یک چنگال “اندرو” سه اصل باید وجود داشته باشد تا چنگال ما برای استفاده مقبول باشد. این سه اصل به شرح زیر است:

الف) در یک چنگال اندرو (اندرو پیچفورک) محدوده جابجایی قیمت حتماً باید بین دو چنگال کناری (بال کناری) قرار گرفته باشد. بنابراین زمانی که قیمت از بین دو چنگال کناری خارج شود چنگال ترسیمی دیگر مورد تایید نخواهد بود.

قرار گرفته باشد و در روند B و A در چنگال نزولی حتما باید بین نقاط C ب) نقطه C به B قرار گرفته باشد یعنی موج تصحیحی B و A باید بین نقاط C صعودی نقطه باشد. اگر این اصل پا برجا نباشد و به عنوان B تا A حتما باید در محدوده نقاط باشد نشانه دهنده این موضوع است که روندی قالب، C و B بین نقاط A مثال نقطه در جهت صعودی یا نزولی در بازار وجود ندارد.

حتما باید C ج) اصل سوم نیز مانند اصل قبلی به این نکته اشاره دارد که نقطه نباشد. این مورد C و A ما بین نقاط B قرار گرفته باشد و نقطه B و A بین نقاط زمانی به وجود می آید که با وجود روند صعودی یا نزولی، تصحیحی کامل بین وجود ندارد C در نقطه B تا A

”آشنایی با نحوه استفاده از چنگال“ اندرو

زمانیکه با ترسیم چنگالی کامل که تمامی اصول در آن رعایت شده است آشنا شدیم تکنیک هایی برای استفاده از چنگال ”اندری“ وجود دارد که می توانیم از آنها برای معامله در بازار استفاده کنیم.

روش استفاده اول از ”چنگال اندری“ زمانی است که با وجود ترسیم صحیح 1) چنگال قیمت ها در بازار به سمت خط میانی چنگال حرکت نمی کنند. قیمت ها در روند نزولی اطراف بال بالایی و در روند صعودی اطراف بال پایینی حرکت دارند. این مساله که قیمت به خط میانی داخل چنگال نمی رسد می تواند نشانه ای از تضعیف قدرت روند جاری بازار در حالت فعلی باشد از این رو احتمال اینکه بال پایینی یا بالایی که قیمت حول آن خط در حال نوسان است شکسته شود بسیار محتمل است. شکل زیر نمونه ای از حالت اول ورود به معامله را برای یک چنگال صعودی نشان می دهد که با شکسته شدن خط بال پایینی می توان وارد معامله فروش شد.



[خاطره نیکویی]

قاعده دوم برای ورود به معامله زمانی ایجاد می شود که قیمت با اینکه به (2) سمت خط میانی در حال حرکت است یک گپ (شکاف) در نزدیک خط میانی ایجاد می کند. گپ یا تثبیت قیمت در چنگال صعودی روی خط میانی و گپ یا تثبیت در چنگال نزولی زیر خط میانی نشانه ای پایداری روند در جهت فعلی می باشد. این موارد موقعیت های خوبی را برای ورود به معامله ایجاد می کنند. مثال این نمونه را در مثال زیر می توان مشاهده کرد.



قاعده سوم استفاده از چنگال زمانی مورد استفاده برای ورود به معامله قرار (3) می گیرد که خط میانی برای قیمت تبدیل به یک خط حمایت یا مقاومت می شود و از پیشروی قیمت در روند نزولی به زیر خط میانی و در روند صعودی از

پیشروی قیمت به بالای خط میانی جلوگیری می کند. معمولاً برای استفاده از این اندیکاتور (Stochastic ابزار در مورد ورود به معامله از شاخص نمای تکنیکی استوکاستیک) استفاده می شود. اگرچه حالت بهینه برای ورود به معامله با مشاهده چنین وضعیتی که خط میانی چنگال حکم حمایت یا مقاومت را داشته، صبر کردن تا زمانی است که بال بالایی یا بال پایینی شکسته شود.

خب دوستان اشکال نداره تا دلتون بخواد اینترنت تصویر چنگال اندرو داره. فقط خواستم اشاره ای به چنگال اندرو کرده باشم. بحث اصلی امشب چیز دیگه ایه نگران نباشید

خب دوستان می خوام وارد بحث اصلی امشب بشم

ببینید داریم تریدینگ سیستم میسازیم. سیستمی منحصر به فرد هر تریدری نقطه ورود. نقطه ی خروج و مدیریت ریسک اجزای اصلی ما هستند. بحث مدیریت ریسک رو کنار میزاریم چون بحثیه که باید چند جلسه براش زمان بزاریم

گفتیم با ساپورت و رزیستنس وارد میشیم و با فیب خارج میشیم

و اما اونچه که در کنار سیستممون میزاریم یک اندیکاتوره

من به اندیکاتورهای اعتقادی ندارم و دلایل خاص خودم رو هم دارم اما اندیکاتورهایی که روی چارت میفتنند خیلی بهتر از اونایی هستند که پایین چارت هستند

اندیکاتورهایی از جنس قیمت و moving averages میانگین های حرکتی یا زمان هستند که خود مارکتند که تغییر شکل داده اند

تنها اندیکاتوری که طی سالیان جوابگو بوده برای من موینگها بودن و چرا

چون میانگین قیمت رو میگیرند و اعلام میکنن و مارکت همیشه به اورج خودش
برمیگرده

بنابراین موینگها به عنوان ساپورت و رزیستنس عمل میکنند

و در بیشتر اوقات مثل فیبوناچی

(استفاده از میانگین متحرک (مووینگ اوریج

آشنایی با انواع میانگین های متحرک

میانگین متحرک (مووینگ اوریج) ، میانگینی از داده های بازار در بازه زمانی
خاص می باشد. میانگین متحرک (مووینگ اوریج) عموماً به عنوان یک
شاخص نمای تکنیکی (شناخته می شود اما از آنجا که Indicator اندیکاتور
امروزه در بین معامله گران (به خصوص معامله گران ارز) بیشتر بر روی
خاصیت ساپورت و رزیستنس آن حساب باز می شود کاربردی دوگانه یافته است

(انجام محاسبه میانگین های متحرک (محاسبه مووینگ اوریج

از آنجا که محاسبه میانگین متحرک از تغییرات قیمت به دست می آید، تابعی از
قیمت و روند بازار می باشد و به لحاظ ساختاری برای پیش بینی آینده قیمت
همیشه مقداری از روند عقب تر می باشد. نحوه محاسبه میانگین متحرک بسته به
فرمول آن متفاوت است. ساده ترین شیوه محاسبه، میانگین متحرک ساده
می باشد. این میانگین متحرک از آخرین (Simple Moving Average)
تغییرات قیمت داده می پذیرد. به علت اینکه در بازار مبادلات ارز یا بازارهای
دیگر تمامی تغییرات قیمتی (تیک چارت) را نداریم برای سهولت محاسبه از
قیمت بسته شدن کندل استیک یا بار چارت برای بدست آوردن میانگین متحرک
استفاده می شود.

برای محاسبه میانگین متحرک غیر از قیمت انتهایی کندل استیک، میتوان از
قیمت آغازین کندل استیک یا بالاترین و پایین ترین قیمت کندل استیک نیز استفاده

کرد. در محاسبه میانگین متحرک روش های گوناگونی وجود دارد. ساده ترین و کاربردی ترین آن را در بالا توضیح دادیم اما میانگین های متحرک دیگری نیز وجود دارد که ارزش متفاوتی به داده های قیمت می دهند مانند میانگین های کاربر ارزش هر داده قیمت را در) Exponential متحرک نمایی – اکسپوننشال و میانگین Smoothed این میانگین تایین می کند(میانگین متحرک سطحی از انواع دیگر هستند که عموماً به داده Linear Weighted متحرک خطی وزنی های جدید ارزش و وزن بیشتری برای محاسبه می دهند. به هر حال آنچه مهم است تحقیق و بررسی شما روی میانگین های متحرک گوناگون در بازارهای مختلف (در اینجا ارزهای گوناگون) می باشد

(اصول کار با میانگین های متحرک (مووینگ اوریج

[حمید اصغری]

همون تکنانسن و کیجونسن میشه

[خاطره نیکویی]

متوجه نشدم

conjecture? منظورتون

[ویتو]

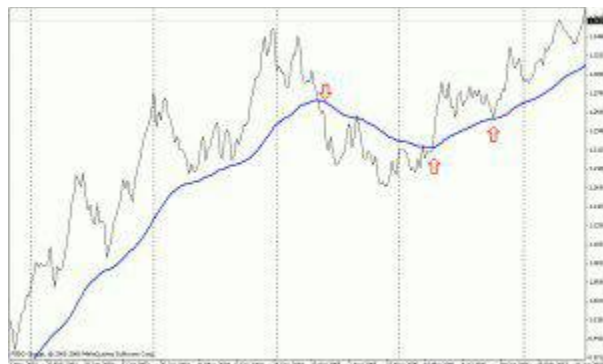
نه منظورشون مووینگ های ابر موکو هست

[خاطره نیکویی]

نه نه اصلاً

در بین معامله گران اندیکاتور میانگین متحرک از پر طرفدارترین اندیکاتورها می باشد. اندیکاتور مووینگ اوریج از یکسو به عنوان ساپورت و رزیستنس عمل کرده و از سوی دیگر جهت قیمت و سیگنال های معاملاتی را به معامله گر نشان می دهد. قبل از آشنایی بیشتر با این ابزار لازم به ذکر است که همیشه این سوال وجود دارد که چه دوره زمانی برای این اندیکاتور بهترین می باشد؟ این سوال بیشتر از آنکه بین معامله گران دارای اجماع باشد امری سلیقه ای است و بسته به هر بازاری متغیر است. در بازارهای با نوسان شدید عموماً از دوره های زمانی کوتاه مدت تر و در بازارهای با نوسانات کندتر از دوره های زمانی طولانی تر استفاده می گردد.

ساده ترین روش استفاده از میانگین متحرک قطع این شاخص از روی نمودار خطی قیمت می باشد. اگر نحوه نمایش نمودار به صورت خطی باشد و یک میانگین متحرک روی نمودار ترسیم کنیم، ساده ترین سیگنال قطع قیمت از روی میانگین متحرک است. همانطور که در شکل زیر دیده می شود خط سبز تغییرات قیمت و خط آبی میانگین متحرک 55 روزه بر روی نمودار یورو به دلار می باشد. فلش رو به پایین نقطه ورود به سیگنال فروش را نشان می دهد و دو فلش رو به بالای بعدی نقطه خرید را برای افزایش قیمت نشان می دهد.



عموماً از این روش برای بازارها یا بازه های زمانی استفاده می شود که نمودار آنها عموماً دارای روند های پایدار باشند و در بازارهایی مانند مبادلات ارز که فراریت در آنها زیاد و زمانهای بسیاری بدون روند هستیم این روش کاربرد چندانی ندارد. نقطه ضعف دیگر این روش باز بودن معاملات در هر زمانی می باشد. به این معنی که همیشه سیگنال فروش قبلی به ما سیگنال خرید می دهد و سیگنال خرید با سیگنال فروش بسته می شود. نمونه دیگری که از میانگین های متحرک برای معاملات استفاده می کنند قطع دو میانگین متحرک توسط یکدیگر است. روش دو میانگین متحرک شباهت بسیاری به روش قطع قیمت با یک میانگین دارد. تنها تفاوت در این است که به جای قطع یک میانگین متحرک از روی قیمت، این بار قطع یک میانگین توسط میانگین دیگر برای معامله گر سیگنال صادر می کند.

در این روش حتماً باید از دو میانگین متحرک با دوره های زمانی متفاوت استفاده کرد و هر زمان که میانگین با دوره کمتر زیر میانگین با دوره بلندتر قرار گرفت سیگنال فروش داریم و هر زمان که میانگین با دوره کمتر بالای میانگین بلند مدت تر آمد سیگنال خرید داریم. در این روش نیز حد سود و ضرر با قطع دوباره میانگین ها معلوم می گردد. ایراد عمومی میانگین های متحرک دیرکرد آنها نسبت به قیمت می باشد و همیشه زمانی سیگنال می دهند که تغییرات قیمتی زیادی بوجود آمده است.

روش دیگری که برای استفاده از میانگین های متحرک کاربرد بسیاری برای معامله گران حرفه ای دارد استفاده از آنها به عنوان ساپورت و رزیستنس می باشد. از آنجا که به تجربه ثابت شده میانگین های متحرک قابلیت تغییر قیمت و عکس العمل روی بازارها را دارند، با رسیدن قیمت به یک میانگین متحرک معامله گران در برخورد میانگین متحرک و قیمت، میانگین متحرک را در نقش یک حمایت یا مقاومت در نظر می گیرند و در جهت معکوس وارد بازار می شوند. در شکل بالا فلش سوم دقیقاً بیان کننده همین موضوع است. قیمت با برخورد به میانگین متحرک 55 روزه ناگهان شتاب گرفته و در جهت رو به بالا حرکت کرده است.



پس از باز کردن این اندیکاتور پنجره تنظیمات مشاهده می شود.



تنظیمات اولیه میانگین متحرک را نشان می Parameters زبانه اول این پنجره دهد.

مربوط به تعداد کندل استیک ها یا دوره های محاسبه میانگین Period کادر متحرک است. در قسمت بعد توضیحات برای بهترین بازده این پارامتر داده نمونه محاسباتی میانگین متحرک تعریف می MA method خواهد شد. در کادر می باشد اما توصیه می شود Simple شود. این قسمت به صورت پیش فرض Exponential برای دادن وزن بیشتر به تغییرات قیمتی جدیدتر، از اکسپوننشال قیمت مورد نظر هر کندل Apply to استفاده شود. کادر Linear Weighted یا استیک یا داده قیمتی را مشخص می کند. بهترین گزینه در این قسمت

می باشد. در این گزینه در عین حال که قیمت های بالا و Weighted Close پایین هر کندل استیک مورد محاسبه قرار گرفته وزن حرکتی بیشتر به قیمت نیز نحوه نمایش خط Style پایانی به خاطر اهمیت آن داده شده است. در قسمت میانگین متحرک تنظیم می گردد در این قسمت رنگ دلخواه، پیوسته یا نقطه چین بودن این خط و قطر خط تنظیم می گردد

اما در بازار رنج و جایی که مووینگ با مارکت درگیر میشه جای مناسبی برای استفاده از موینگها نیست

[aboozar hoseini]

خانم نیکویی فقط از یک مووینگ استفاده میکنید

[aboozar hoseini]

منظورم در چند پریود زمانی بود؟مثلا فقط 55روزه یا کنار آن از سایر بازه ها
🌸 نیز استفاده میکنید؟

[ویتو]

خانم نیکویی این تعداد روز های مووینگ ها رو اگه کم و زیاد کنیم سیگنال های متفاوت میده بهترین تایم ها چه تایم هایی هست چند روزه ؟

[مهدی مهر علی پور]

اجازه هست سوالی بپرسم خانم نیکویی؟

[خاطره نیکویی]

دوستان مووینگها در شروع ترند بهترین سیگنال ورود رو به شما میدن .بعد از عبور مارکت از مووینگها شما با خیال راحت میتونید پوزیشن بگیرید و بعد از عبور مجدد میتونید پوزیشن خودتون رو ببندید

[aboozar hoseini]

؟

[ویتو]

نه منظورم اینه چرا 55؟

[مهدی مهر علی پور]

موینگ ها همانطور که خودتون اشاره داشتید برای بازار روند دار هست. و وقتی بازار سایده میشه خطاهای سیگنال زیادی رو ایجاد میکنند. من خودم از موینگ ها در سیستم خودم استفاده میکنم. سوال اصلی اینجاست که گاهی تشخیص بازار روند دار از بازار سایده خیلی سخته. برای این مشکل چه راه حلی دارید؟

[خاطره نیکویی]

بفرمایید آقای مهر علی پور عزیز

[خاطره نیکویی]

بله من از موینگها استفاده میکنم

[خاطره نیکویی]

خب دوستان جلسه ی امشب تموم شد . این جلسه سعی کردم مقدمه ای بر کار موینگها بگم. هنوز خیلی کار داریم و ازتون خواهش میکنم بحث امشب رو توجه خاص بهش داشته باشید تا در ادامه آمادگی بیشتری داشته باشید

[خاطره نیکویی]

امیدوارم تونسته باشم جوابتونو بدم آقای مهرعلی پور

[حمید اصغری]

منم ی سوال دارم چنگالو با ۵۵روزه چه طوری میچ می کنید؟

[خاطره نیکویی]

اگر عمری باقی بود در جلسه ی دیگه استفاده ی چند موینگ رو باهم خواهیم گفت

[خاطره نیکویی]

بهترین تایم فریم 1 ساعته ست آقای ویتو

[خاطره نیکویی]

خوشحالم

[خاطره نیکویی]

آقای مهرعلی پور من اول مارکت رو در تایم فریم بالا نگاه میکنم و تشخیص میدم که ترندش چیه و بعد در تایم فریم کوچیک تشخیص راحتتر میشه و علاوه بر اینکه تقریباً حدود 9 ساله که از موینگ استفاده میکنم اشکالشون هم برام شناخته تر شدند و کمک میکنن در تشخیص روند و رنج

[خاطره نیکویی]

پس 55 روزه برای 55 روز آخره

[ویتو]

یا هر بازار و نمادی عدد مخصوص خودش رو داره؟

[خاطره نیکویی]

و البته در بازار رنج خیلی راحت میشه از ساپورت و رزیستنس و فیب استفاده کرد تا سیگنال موینگ آماده بشه

[مهدی مهرعلی پور]

این نمونه ای از خروجی طبق تاریخ های درج شده هست. میتونید ملاحظه کنید

[خاطره نیکویی]

معمولاً تایم فریم 15 دقیقه خیلی کمک میکنه برای تشخیص ترند و حتی شروع ترند

[خاطره نیکویی]

عدد 55 برای موینگ به این معناست که 55 کندل آخر اورج قیمتش گرفته میشه
و روی چارت کشیده میشه. حالا اگر 1 ساعته باشه 55 ساعت آخر اگر تایم فریم
روزانه باشه 55 کندل آخر کشیده میشه

[خاطره نیکویی]

اگر بتونم بازم کمکی کنم در خدمتم